



د. آرمند

مدرس و قانون ...

آیت الله عباسعلی عمید زنجانی

آنچه در پی می آید سخنرانی ارزشمند استاد ارجمند، آیت الله عمید زنجانی در سمینار مدرس و تحولات سیاسی تاریخ معاصر ایران است که در آذرماه ۱۳۷۴ در محل سابق مجلس شورای ملی برگزار شد. سخنران در این گفتار با دقتی عالمانه، نسیت مدرس با قانونگذاری در دوران پس از مشروطه و نیز شیوه صحیح تقنین از دیدگاه او را مورد بررسی و مذاقه قرار داده است.

مدرس یکی از خصوصیات کلی اش به کارگیری تجربه زمان است. مدرس در میان دو صحنه و عرصه قرار گرفته: عرصه بازمانده از سنت گذشته و عرصه ای از دنیای در حال پیشرفتی که در آن زندگی می کند. مدرس می خواهد با کسب تجربه از سنت گذشته و با کسب تجربه از روند پیشرفت و توسعه در زمان خودش، پلی ایجاد کند و سنت را با تجدید بیامیزد و یک راه کاملاً منطقی پیدا کند که نه به سنت آسیبی بزند و نه در پیشرفت جامعه مانعی ایجاد کند. سنت در دیدگاه مدرس دو معنا دارد: یکی شریعت بازمانده از گذشته که ما از آن به لحاظ تاریخی اش، تعبیر به سنت می کنیم و یکی قالب های منطقی با شرایط زمان های دور است که این احکام در آن قالب ها ارائه شده اند. از دیدگاه مدرس، احکام بازمانده از گذشته، اصلاً تعارضی با پیشرفت و تجدید ندارند، اما آن قالب هایی که احکام شریعت در گذشته در آنها ارائه شده اند، متناسب با قرون گذشته و منطبق با همان شرایط هستند. چرا این قالب ها با پیشرفت و تجدید چندان قابل جمع نیستند و در بسیاری از موارد با هم تعارض و تراحم دارند؟ در پاسخ به این پرسش است که یکی از شاخص های کلی شخصیت مدرس به عنوان یک قانونگذار جلوه می کند. او سعی می کند با تکنیکی بسیار ظریف، محتوا را، یعنی شریعت را، از درون قالب های کهنه گذشته بیرون می بیاورد و از آن قالب ها تجرید کند و در قالب های نو که زمان می طلبد و از آن نکات بارز در شخصیت مرحوم مدرس است. فرزاندی و آگاهی به زمان، در عین اینکه به فقهات مدرس لطمه ای وارد نشود، از شاخص های کلی این بعد از شخصیت اوست. معمولاً توغل در فقه به معنای اصطلاحی اش، فقیه را به خاطر روح تحقیق و پژوهشی که دارد، به نحوی و برای مدت کوتاهی از زمان عقب اندکای به علم و تقوایی که دارد، از موارد موجود در احکام شریعت و بر اساس مصلحت جامعه، قانونی را تدوین کند. در دیدگاه مدرس فقط شریعت و مصلحت جامعه مطرح است و لاغیر. استقلال مدرس در جایگاه قانونگذاری این است. قدمی فراتر از شریعت نمی گذارد و چیزی فراتر از مصلحت جامعه نمی بیند. تلاش می کند بر اساس علم و تقوای خود و بر اساس مصالح جامعه، موارد شریعت را در قالب های قانونی ارائه بدهد، خواه پسند بیفتد یا ناپسند. او در برابر عواملی که با شریعت در ستیزند یا مصالح عمومی را می خواهند فدای مصالح شخصی کنند، می ایستد. مدرس در این جایگاه در حال مبارزه، اما متین است، می خواهد مستقل عمل کند و قوانین کشور را در محتوا، مطابق با شریعت و در قالب منطبق با مصالح کشور ارائه دهد.

نارسایی ها، دشمنی ها و همه این عوامل منفی، به صورت مستقل در صدد تدوین قوانینی برای یک کشور اسلامی است. استقلال که یکی از خصوصیات و شاخص های اصلی قانونگذاری است، در مدرس دیده می شود. این استقلالی که من اشاره می کنم، استقلال در جایگاه سیاسی به عنوان شخصیت سیاسی است. استقلال در برابر عوامل فشار داخلی و خارجی است که به سیاست سالم خدشه وارد می آورند.



- او سعی می کند با تکنیکی بسیار ظریف، محتوا را، یعنی شریعت را، از درون قالب های کهنه گذشته بیرون بیاورد و از آن قالب ها تجرید کند
- و در قالب های نو که زمان می طلبد و با شرایط زمان سازگار است، ارائه بدهد. این یکی از نکات بارز در شخصیت مرحوم مدرس است. فرزاندی و آگاهی به زمان، در عین اینکه به فقهات مدرس لطمه ای وارد نشود، از شاخص های کلی این بعد از شخصیت اوست. معمولاً توغل در فقه به معنای اصطلاحی اش، فقیه را به خاطر روح تحقیق و پژوهشی که دارد، به نحوی و برای مدت کوتاهی از زمان عقب نگه می دارد.

مدرس در این بعد، فقط به مصلحت جامعه می اندیشد و با انکای به علم و تقوایی که دارد، از موارد موجود در احکام شریعت و بر اساس مصلحت جامعه، قانونی را تدوین کند. در دیدگاه مدرس فقط شریعت و مصلحت جامعه مطرح است و لاغیر. استقلال مدرس در جایگاه قانونگذاری این است. قدمی فراتر از شریعت نمی گذارد و چیزی فراتر از مصلحت جامعه نمی بیند. تلاش می کند بر اساس علم و تقوای خود و بر اساس مصالح جامعه، موارد شریعت را در قالب های قانونی ارائه بدهد، خواه پسند بیفتد یا ناپسند. او در برابر عواملی که با شریعت در ستیزند یا مصالح عمومی را می خواهند فدای مصالح شخصی کنند، می ایستد. مدرس در این جایگاه در حال مبارزه، اما متین است، می خواهد مستقل عمل کند و قوانین کشور را در محتوا، مطابق با شریعت و در قالب منطبق با مصالح کشور ارائه دهد.

بسم الله الرحمن الرحیم. الحمد لله رب العالمین و الصلاه والسلام علی البشیر النذیر السراج المنیر المرسل رحمه الله للعالمین ابوالقاسم محمد. اللهم صل علی محمد و آل محمد و علی آله الطاهرین المعصومین. خداوند را سپاسگزاریم که توفیق شرکت در مراسم بزرگداشت فقیه و مجاهد بزرگ دوران مشروطیت، مرحوم مدرس نصیبمان شد و من افتخار دارم که در این جمع به نوبه خود عرض ادب بکنم. لطفی فرمودند که من شایسته اش نیستم. اما عنوان بحث، عنوانی است که شاید صدها صفحه مطلب و تحقیق لازم دارد. نقشی که مدرس در تدوین قوانین دوران مشروطیت که بخش عظیمی از آن هم اکنون عنوان قانون حاکم در جمهوری اسلامی ایران را دارد، بر عهده داشته، بسیار بارز است. خیلی ها فقط با نقشی که مدرس در تدوین قانون مدنی داشته، آشنا هستند. می دانیم که قانون مدنی یکی از قوانین بسیار مهم و مادر محسوب می شود. قانون مدنی با بیش از هزار و اندی ماده، یکی از حجیم ترین قوانین کشور در دوران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و هم اکنون است و مرحوم مدرس در دوران سوم و چهارم تقنینیه و بالاخص در دوره مربوط به ۱۳۰۷، نقش بسیار مؤثری در تدوین این قانون مادر داشته و پرونده کمیسیونی که این قانون را تدوین کرده، هم اکنون در اختیار است که به عنوان اسناد نگهداری می شود و متأسفانه کمتر در دسترس محققان است. امید است این پرونده با مسائل و جزئیات بسیار ارزنده ای که دارد و حاکی از مذاکراتی است که در تدوین قانون مدنی مورد استفاده قرار گرفته، در اختیار محققان قرار بگیرد. نقش مدرس به عنوان قانونگذار بیش از آن چیزی است که در تاریخ حقوقی کشور یاد در تاریخ قانونگذاری کشور ثبت شده است. من در این بحث بسیار کوتاه و حتی اجمالی و گذرا می خواهم یک نگاه کلی به یک بعد از ابعاد شخصیتی مدرس، یعنی نقش مدرس در تدوین حقوق و قوانین کشور بیندازم و کلیاتی را در این زمینه به عرض برسانم. شخصیت مدرس، دیروز و امروز مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت؛ اما مدرس در جایگاه قانونگذار، به عنوان یک نماینده در قوه مقننه و مجلس شورای ملی سابق، چه نقشی را داشته و چه درسی را برای آیندگان ارائه داده است؟ چند خصوصیت کلی را در این بعد از شخصیت مدرس به وضوح می بینیم که در حقیقت مشخصات کلی این شخصیت و الامقام از بعد قانونگذاری است. مدرس در این بعد، صرف نظر از ابعاد دیگرش، شخصی است مستقل و به مجلس به عنوان مرکز قانونگذاری نگاه می کند. وی به رغم شرایط حاکم، دشواری ها،

جلوتر هستند. نمونه بارز در زمان ما حضرت امام (ره) که فقیهی است به معنای واقعی محقق. هم مدرس فقه و هم فقیه آشنا با زمان و حتی جلوتر از زمان. بنابراین، مدرس این خصوصیت را دارد که در عین حال که تحصیل کرده نجف و یک فقیه عالیمقام با تأیید مراجع و اساتید فقه آن زمان است. در عین حال آشنا به زمان هم هست و حتی از زمانش هم جلوتر است. می بینیم که نقش هایی که مدرس در تدوین قانون داشته، هم اکنون با گذشت هفتاد و اندی سال، باز مورد نیاز جامعه و منطبق با شرایط آن است.

مسئله شجاعت مرحوم مدرس که بیشتر در بعد سیاسی مطرح می شود، در قانونگذاری هم قابل توجه است. مرحوم مدرس تنها در موضوع قانونگذاری با افراد بی هویتی مانند رضاخان که سواد نداشت و اصلاً مسائل برایش قابل درک نبود، رودررو نبود، بلکه با کسانی درگیر بود که آنها تخصص هم داشتند، اما تخصص ها در قید عادات و رسوم و در اسارت سنت ها و قالب های سنتی بود که امام بزرگوارمان از این نوع دشمنی و موانع به تبحر یاد می کند. مدرس هم در حقیقت با این دو قشر مواجه است. از یک سو افراد متخصص متحجر و از سوی دیگر با افراد بی سواد نادان و مجهز به قدرت با یک سلسله عواملی که می توانند اثر بگذارند و جریان را خدشه دار بکنند. شجاعت مدرس در موضع قانونگذاری، مسئله بسیار جالب توجهی است. احساس مسئولیتی که مدرس در موضع قانونگذاری دارد. قابل تأمل و دقت است. اصلاً مدرس در موضع قانونگذاری، در برابر مسائل جانبی خم به ابرو نمی آورد. اگر قانونی از لحاظ محتوایی، بر اساس موازین اسلامی و فقه ناب و فقه سنتی و بر اساس مصلحت جامعه تدوین شود، برای مدرس مهم نیست که چه آثاری در جامعه ایجاد بکند. یکی از مشکلات مراجع قانونگذاری ما همین است که به آثار مصوبات در جامعه، بیش از حد اعتبار می دهیم و گاه همین آثار، دست و پاگیر

قانونگذارند. قانونگذار نمی تواند واقعیت ها را صد در صد در نظر بگیرد، بلکه مجبور می شود به خاطر یک سلسله موانعی که به دلیل شرایط زمان ایجاد می شوند، از بسیاری از مصالح چشم پیوشد؛ ولی این شجاعت و این احساس مسئولیت در مدرس دیده می شود که به عنوان قانونگذار احساس مسئولیت کند. در مورد بازتاب قانون در جامعه، این قوه مجریه است که باید قانون را به نحوی اجرا کند که از تنش هایش جلوگیری و از بازتاب منفی اش ممانعت کند و قانون را در محیطی سالم و به صورت صحیح اجرا نماید و با توانمندی و اقتداری که دارد، جلوی مفساد و پیامدهای نامطلوبش را بگیرد. قوه مقننه قوه مجریه می تواند مکمل همدیگر باشند. این نوع نارسایی ها را قوه مجریه ترمیم می کند. اما قوه مقننه هم در قانونگذاری اش تمام آنچه را که موازین شریعت و مصلحت و نظم جامعه ایجاب می کند، رعایت می کند. احساس مسئولیت تا این حد یکی از شاخص های عمده شخصیت مرحوم مدرس است. اگر مرحوم نائینی توفیق پیدا می کرد و در دنباله تنبیه الامه به بحث ولایت که رسید، قلمش نمی شکست و ادامه پیدا می کرد، به احتمال زیاد، این تحول در مشروطیت هم امکان پذیر بود؛ اما متأسفانه نشد. مشروطیت یک نظام ناقص با یک چهره ضعیف اسلامی بود؛ اما چهره ها و آن سمت گیری هایی که خلاف موازین اسلام بود؛ همچنان باقی ماندند، با این همه مدرس به قالب نظام نگاه نمی کند. او به عنوان قانونگذار سعی می کند قانونی وضع کند که در نظام های معدی نه احتمالاً تکمیل و ترمیم می شود. قابل استفاده باشد. من ده نکته را یادداشت کرده ام. این ده نکته را که نکات بسیار برجسته ای هم هستند، خیلی سریع در این محضر عرض می کنم. مدرس حقاً مدرس مجلسیان، مدرس قوه مقننه و نمایندگان ملت در اعصار آینده هم هست. یکی از شئوناتی که مجلس در دیدگاه مدرس دارد، جایگاه و مقام آن در قانونمندی است. این سؤال در مشروطیت بود، الان هم هست. اگر قوانین اسلام مدون است، پس مجلس شورای اسلامی یا مجلس شورای ملی چه جایگاهی دارد؟ اگر قوانین، مدون هستند، دیگر تصویب نمی خواهند. این سؤال را هم مدرس جواب داده است. از دیدگاه مدرس، قانونگذاری به معنای این نیست که احکام الهی را بگذاریم کنار و چیز جدیدی را به نام قانون تدوین کنیم. مدرس معتقد است که ما همان احکام شریعت را در قالب قانون تدوین می کنیم. محتوا همان است، فقط قالب فرق می کند. وقتی احکام شرع درکتب فقهی بیان می شوند، به صورت مسئله و با فرازها و عناوین خاص مطرح می شوند، اما همان محتوا را ما با بیان قابل فهم برای حقوقدان در قالب ماده ۱ و ۲ و ۳ فصل بندی قانونی می کنیم؛ لذا می بینیم که قانون مدنی کتاب است؛ کتاب اول، کتاب دوم، فصل اول، فصل دوم. محتوا همان محتوای شریعت است، اما به صورت مواد قانونی درمی آید. قانونمندی احکام شریعت کاری است که مجلس انجام می دهد. یک قوه مقننه و یک مقنن و یک نماینده یا مجموع نمایندگان انجام می دهند. محتوا محفوظ است، شکل، یک کار قانونی است. احکام است. در گذشته، تفریع احکام کلی، یعنی احکام کلی را تجزیه کردن، به صورت احکام جزئی تر، کار فقها بود؛ اما بالاخره زمانی می رسد که مجلس باید

این کار را بکند. مثلاً فرض بفرمایید که عدالت یکی از احکام کلی اسلام است؛ اما عدالت اقتصادی داریم، عدالت سیاسی داریم، عدالت فرهنگی و اجتماعی داریم. اینها باید ریز بشوند. یک کلمه «اعدلوا هو اقرب لتقوی» یک حکم کلی است که جامعه وظیفه دارد عدالت را برقرار کند؛ اما تفرع و جزئی کردن و این حکم کلی را تبدیل به ۵۰ ماده و ۱۰۰ ماده کردن، کاری است که قانونگذار باید انجام بدهد. از دیدگاه مدرس مجلس موظف است احکام را به صورت قانونمند در آورد.

سوم برنامه ریزی برای اجرای قوانین است. قوانین کلی اگر فقط تجزیه و تفریع شوند، کافی نیست. برای پیاده کردن هر فرع و هر ماده یک قانون، شیوه های اجرایی لازم است؛ بنابراین، برنامه ریزی برای اجرای احکام کلی که در قالب قوانین درج می شوند و به تصویب می رسند؛ یکی دیگر از شئون قوه مقننه

حجرتین

● مسئله شجاعت مرحوم مدرس که بیشتر در بعد سیاسی مطرح می شود، در قانونگذاری هم قابل توجه است. مرحوم مدرس تنها در موضوع قانونگذاری با افراد بی هویتی مانند رضاخان که سواد نداشت و اصلاً مسائل برایش قابل درک نبود، رودررو نبود، بلکه با کسانی درگیر بود که آنها تخصص هم داشتند، اما تخصص ها در قید عادات و رسوم و در اسارت سنت ها و قالب های سنتی بود که امام بزرگوارمان از این نوع دشمنی و موانع به تبحر یاد می کند.

است و قانونگذار، متعهد به انجام این مسئله است. نمونه بارز مسئله برنامه و بودجه است؛ قانونگذاری در موارد تراجم احکام است و نه تعارض آنها. تعارض احکام معنا ندارد. تعارض ادله احکام، شأن فقیه است. فقیه اگر بین ادله احکام تعارض ببیند، با قواعدی که مشخص است، آن تعارض را برطرف می کند، اما تراجم، در عمل است. گاه می شود که دو حکم شرعی و دو قانون، در عمل تراجم دارند. این قانون یا باید اجرا شود یا از آن چشم پوشی بشود. موارد تراجم قوانین از موارد بسیار مهمی است که رسیدگی به آنها شأن و جایگاه مجلس است. از دیدگاه مدرس در این جور موارد، مجلس باید تصمیم بگیرد؛ با اهم و مهم کردن، مسئله را حل کند و قوانین مهم فدای قوانین مهم بشوند یا دفع افسد به فاسد بشود. قوانینی که ترکش مفسده آفرین است، بر قوانین دیگری که ترکشان مفسده بیشتری دارد، ترجیح داده شوند و یا به صورت های دیگر، بین قوانین ترجیح بدهد و بتواند با این روش تراجم بین قوانین را برطرف کند. پنجم قانونگذاری در ملاحظاتی، به اصطلاح فقهی، یعنی در آن قلمرو مباح از نظر شریعت؛ بسیاری از موارد شریعت حکم الزامی ندارد، نه حکم وجوب و نه حکم تحریم، به اصطلاح از مباحات است. انسان می تواند انجام بدهد یا انجام ندهد. بخش عمده زندگی انسان مباحات است. اگر ما بخش زندگی یک فرد را و یک جامعه را تقسیم بندی بکنیم به سه بخش واجبات، محرمات و مباحات، بخش مباحات بی شک از آن دو بخش دیگر فراتر و گسترده تر است. خوب شریعت در مورد واجبات و محرمات، بایدها و نبایدها، قوانینی وضع کرده است؛ اما آنجا که شریعت باید و نبایندی ندارد، شریعت، مورد را به عهده خود افراد و جامعه گذاشته، آن را مباح دانسته است. مباحی که من عرض می کنم از نظر فقهی شامل مکروه و مستحب هم می شود، چون جایزالفعل است. هر چیزی که جایزالفعل و جایز الترتیب باشد در اختیار خود انسان است. بنابراین، این مجلس است که باید در جایگاه قانونگذاری، در این قلمرو وسیع مباحات و ما لائمی فیه قانونگذاری بکند. مسائل دریاها، مسائل فضا، ترافیک در زمین، ترافیک در هوا، ترافیک در دریاها، بسیاری از مسائل



● مدرس در حیاط منزل مسکونی اش واقع در کوچه میرزا محمود وزیر.

کاملاً درست است. خود شرع پیش بینی و این روند را سه مرحله‌ای کرده: احکام اولیه، بعد ثانویه، بعد احکام حکومتی؛ اما وظیفه قانونگذار این است که با کمک دولت، یعنی قوه مجریه، شرایط لازم را برای اجرای احکام اولیه فراهم کند. نهم، آشنایی با مصادیق عرفی: احکام شرعی در بسیاری از موارد موضوعاتشان تابع عرف است. عرف در حال تغییر و تبدیل است: عرف عام و عرف خاص. در دیدگاه مدرس قانونگذار باید دقیقاً با مصادیق عرفی و نمونه‌های جدید عرفی آشنایی داشته باشد تا بتواند مصادیق جدید را برای این قوانین کلی ارائه بدهد و تحولات اجتماعی از چشم قانونگذار دور نماند. آخرین نکته احترام به قوانین مادر است و اینکه قانونگذار به معنای خاصش یعنی نماینده، یا به معنای کلی اش یعنی مجلس، اگر به مسائل خرده پا، به مسائل روزمره، به مشکلاتی که سرراش به صورت آبی و روز به روز به وجود می‌آیند،

مشروطیت هم پیش بینی شده بود که این خودش یک بحث جداگانه‌ای است. این مطلب در اصل دوم متمم قانون اساسی مشروطیت و نیز در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران هم هست که مجلس به طور اعم و نماینده به طور اخص نمی‌توانند به قوانینی که تشخیص می‌دهند خلاف شرع است. رأی بدهند. این نکته‌ای است که در عملکرد مدرس کاملاً روشن است.

هشتم، سعی در اولویت دادن به احکام اولیه است. شما می‌دانید که الان ما در بسیاری از مواردی که احکام اولیه مان با موانع روبرو می‌شویم، آنها را تبدیل می‌کنیم به احکام ثانویه و بعد هم احکام ثانویه‌ای را که قابل اجرا نیستند، تبدیل می‌کنیم به احکام حکومتی. نمونه‌اش هم قانون کار است. با احکام اولیه تطبیق نمی‌شود. می‌بریم تطبیقش می‌کنیم با احکام ثانویه. آن هم نمی‌شود، می‌بریم مجمع تشخیص مصلحت و فرضاً از

داخلی، مسائل خارجی، ریزه‌کاری‌هایی که در مسئله تابعیت است و بخش عظیمی از قوانین در قلمرو مالانص فیه است. از دیدگاه مدرس این مجلس است که باید با باریک بینی، تمام نقاط کور را که از دیدگاه مالانص فیه پنهان می‌ماند، آشکار و در تمامی زمینه‌ها برای ایجاد نظم و عدالت در جامعه، تمام مسائل را قانونگذاری کند. همین الان هم قوانینی که داریم متأسفانه نتفیح نشده‌اند. با عرض معذرت، حالا قانونی داریم در مورد مثلاً مدفوع حیوانات درشکه که مال دوران مشروطیت است. قوانینی از این قبیل نتفیح نشده‌اند. نیامده‌اند بنشینند این قوانین را یکجا منسوخ کنند. ما صدها و هزارها قانون داریم در باره اشخاص، خوشبختانه بعد از انقلاب، درباره یک شخص معین کمتر قانونی داریم، جز آن‌دکی که در شورای انقلاب بوده؛ ولی در قبل از انقلاب و در دوران مشروطیت، در باره اشخاص، قوانین بسیاری داریم: موسیو فلان، مستر فلان و افراد خارجی و داخلی. قوانین خاص اصلاً نتفیح نشده‌اند. الان حجم قوانین ما پیش از پنجاه برابر قوانین حاکم است. قوانین حاکم، یعنی قوانینی که هم اکنون حاکمند و رسماً در مراجع اجرائی، اجرا می‌شوند، اعم از قوه مجریه و قوه قضائیه که اجرا می‌کنند. متأسفانه بسیاری از اینها ناسخ و منسوخند، قوانین لغوشده‌اند. قوانینی هستند که با قوانین بعدی تعارض دارند. ما به جای اینکه بیاییم نتفیح قوانین کنیم، یک ماده در آخر قوانین جدید اضافه می‌کنیم. چه کسی است که برود قوانین را از اول تقنینیه قبل از ۱۲۸۰ و اندی مطالعه کند و ببیند کدام قوانین مغایر با قانون جدیدند تا نتفیح شوند. اصطلاحاً به این کار نتفیح قوانین گفته می‌شود که کار بسیار دشواری است. الان هم دو جایگاه رسمی و دو نهاد قانونی برای نتفیح قوانین وجود دارند: «اداره نتفیح قوانین ریاست جمهوری» و «اداره قوانین مجلس». برادران زحمت می‌کنند، اما توان و ابزار لازم را در اختیار ندارند که تمام این قلمروهای تاریخ قانون را روشن کنند.

مدرس در جایگاه قانونگذار معتقد است مجلس به صورت عام و هر نماینده به صورت خاص، باید تمام قلمروهای مالانص فیه را به دقت در یاد و از طریق لایحه یا از طریق طرح، طرح و لایحه پیش بینی کند. مجلس باید این زوایای کور را شناسایی و با قوانین پر کند. نقش بسیار اصولی، جایگاهی است که از دیدگاه مدرس، یک قانونگذار به معنای فردی اش و به معنای جمعی اش که مجلس باشد، دارد. این نقش تعیین مصادیق جدید قواعد کلی است. قفه ما بحمدالله که یک منبع عظیم از قواعد فقهی است. قواعد فقهی عبارتند از آن قواعد کلی که معمولاً احکام کلی از آنها استخراج می‌شوند. این قواعد کلی در هر زمانی مصادیق جدیدی پیدا می‌کنند. این شأن و جایگاه قانونگذار است که مصادیق جدید، این قوانین کلی را پیدا کند؛ قاعده لاجرح، قاعده لاضرر و قواعدی امثال اینها از آن جمله‌اند. یک سلسله مسائلی نشان‌دهنده این نکته هستند که قانونگذار به معنای فردی اش و به معنای جمعی اش باید تمام این مصادیق جدید را شناسایی کند و بر اساس آن قواعد کلی، این مصادیق جدید را، کمش را و وضعیتش را روشن کند، مانند قاعده لاجرح، قاعده لاضرر و قواعد بسیاری چون قاعده احسان، قاعده اقدام، قواعد بی‌شماری در قفه که اینها هر زمان مصادیق جدیدی را متعرض می‌شوند که باید قانونگذار پیدا بکند. از آنجا که وقت من در شرف اتمام است، بقیه را فهرست وار عرض می‌کنم.

رعایت موازین شرع یکی از نکاتی است که مرحوم مدرس به آن پایبند است. الان بعضی‌ها تصورشان این است که رعایت موازین شرع به عهده شورای نگهبان است و این شورای نگهبان است که باید مصوبات مجلس را کنترل کند تا مصوبات، مخالف با موازین شرعی نباشند، در صورتی که این جور نیست. هم در قانون اساسی مشروطیت، هم در قانون اساسی جمهوری اسلامی، اصلاً مجلس نمی‌تواند قوانین مخالف شرع را وضع کند؛ یعنی تکلیف فردی تک تک نماینده‌هاست. نماینده نمی‌تواند بگوید تشخیص شرعی اش به عهده شورای نگهبان است و ما مثلاً رأی می‌دهیم که بعد برود شورای نگهبان در آنجا بگویند این قانون اشکال دارد. این مسئله در قانون اساسی



مدرس در میان جمعی از نمایندگان هنگام مباحثه نظر آراء از رهبر خط سبز.

ببیندیشند، در این صورت از مسائل کلی جامعه دور می‌مانند. مقنن در دیدگاه مدرس باید به قوانین مادر فکر کند و به جای اینکه موارد جزئی و مسائل پراکنده را در قالب قانون در بیاورد، یک مجموعه کلی را تدوین کند که این موارد جزئی در دل آن مجموعه کلی جای بگیرند. توجه کنید که اگر یک قانون کلی داشته باشیم، مثلاً قانون تجارت، قانون مالیات ها، قانون مجازات، قانون های مربوط به آیین دادرسی و کیفری، قانون مدنی، اینها قوانین مادر هستند. بعضی هاشان ۸۰۰، ۹۰۰ و هزار و اندی ماده دارند. وقتی مجری این قوانین را در اختیار داشته باشد، بهتر می‌تواند عمل بکند تا اینکه بیاییم برای هر کدام یک قانون جداگانه با عنوان خاص، سرفصل خاص و خصوصیات خاص وضع کنیم. عمل به این همه قانون برای مجریان، یعنی وزارتخانه ها و سازمان ها، کار بسیار دشواری است. آنها مجموعه‌هایی را برای خودشان تدوین می‌کنند و می‌بینند که چقدر دست و پاگیرند؛ اما این تفکر که ما موارد جزئی را به صورت منطقی به هم ارتباط بدهیم و در یک چهارچوب کلی به صورت قانون مادر ارائه بدهیم؛ این برای اجرا آسان‌تر و برای مصلحت و ایجاد نظم در جامعه مفیدتر خواهد بود. با عرض معذرت و امید اینکه این عرض و چند جمله‌ای که تقدیم شد عرض ادبی به ساخت بزرگوار مرحوم مدرس باشد؛ در اینجا عرضم را خاتمه می‌دهم و ان شاء الله که این بحث‌ها ادامه پیدا کنند و راهگشای مجلس باشند. با همین مسائل است که ما مجلس را روز به روز کامل‌تر و روز به روز قدم‌هایش را استوارتر و به مصالح جامعه نزدیک‌تر می‌بینیم و ان شاء الله که این روند ادامه پیدا کند و به کمال مطلوب برسد. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته. ■

طریق احکام حکومتی آن را درست می‌کنیم. اما دیدگاه مدرس این است که باید فرزانگی را تا آنجا رساند که جامعه برای اجرای احکام اولیه آماده شود. پس احکام اولیه برای چه کسانی است؟ اگر موانعی وجود دارند، باید این موانع از میان برداشته شوند. دولت مهندسی کار را بر عهده دارد و باید کاری کند که شرایط لازم برای اجرای احکام اولیه فراهم شوند والا اگر ما از واقعیت فرار کنیم و به خاطر وجود موانع از احکام اولیه دست برداریم و برویم به سراغ احکام ثانویه و بعد هم از احکام ثانویه، به دلیل موانع، به احکام حکومتی، این مقداری نقض غرض شریعت است. من نمی‌خواهم بگویم این کار درست نیست،



● **مدرس در موضع قانونگذاری، در برابر مسائل**
● **جانبی خم به ابرو نمی‌آورد. اگر قانونی از لحاظ**
● **محتوایی، بر اساس موازین اسلامی و فقه ناب و**
● **فقه سنتی و بر اساس مصلحت جامعه تدوین**
● **شود، برای مدرس مهم نیست که چه آثاری در**
● **جامعه ایجاد بکند. یکی از مشکلات مراجع**
● **قانونگذاری ما همین است که به آثار مصوبات در**
● **جامعه، بیش از حد اعتبار می‌دهیم و گاه همین**
● **آثار، دست و پاگیر قانونگذارند.**